



گاهنامه اجتماعی پژوهشی ادبی تابش

[شماره دوم]

پائیز ۱۴۰۱



آنچه در این شماره
خواهیم خواند:



مثبت در مثبت، منفی | مهارت های معلمی ۲ | معلم اثربخش و کارآمد و ...



و آثار

روز دانشجو

گواهی یاد



راه ارتباطی نشریه

@tabesh_mag

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

دانشگاه، نقطه‌ی اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده‌ی آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است. این فسادی که در دانشگاه فرض می‌کنیم، ممکن است فساد اخلاقی باشد، یا فساد علمی. فساد علمی معنایش این است که در دانشگاه نه معلم برای درس‌دادن و یاددادن دلسوزی کند، نه متعلم و دانشجو برای یادگرفتن دلسوزی کند. نتیجه، بی‌سواد بار آمدن، بدفهمیدن و نفهمیدن و عدم رشد استعدادهاست. فساد اخلاقی، معنایش این است که آن که درس می‌خواند یا نمی‌خواند، از لحاظ اخلاقی، شرافت و شرف و غیرت و انگیزه و ایمان لازم را در خود پرورش ندهد. این هم نتیجه‌اش با شق اول یکی است؛ شاید هم گاهی بدتر. آن عالمی که شریف نباشد، حمیت و غیرت دفاع از کشور و ملت و آرمان‌ها و ارزش‌های ملی و دینی خود را نداشته باشد، آن عالمی که دشمن را بر خودی ترجیح بدهد و خود را در اختیار دشمن ملت قرار بدهد، آن عالم از هر جاهلی بدتر است؛ همان دزدی است که با چراغ به دزدی می‌رود و بیشتر صدمه می‌زند.

بیانات رهبر انقلاب در رابطه با روز دانشجو

در دیدار با فرزندان معزز شاهد

۱۳۷۰/۰۶/۱۴



حزینہ مسعود

به نام آن که
تن را نور جان داد

خرد را سوی دانایی عنان داد

نام تو آذین درب است و کلیدش گنجینه‌ی
دانش توست...

همان درب همیشه گشوده‌ی راه سبز رسیدن...
رسیدن به کجا تا به کی؟

رسیدن به اوج دانایی نه برای پُر از پُر بودن بلکه برای کسب
شهامتی به رنگ زیبایی ادراک، آنجایی که پرسیدن را عیب
ندانی و محالات را ممکن دانی و اما تا به کی؟

ز گهواره تا گور دانش بجوی.

مگر می‌شود در گوش درخت دانش نجوای زمان سر داد؟

می‌شود او را در حصار زمان و مکان گنجانند؟

دانشجو جامی است لبالب از احساس، حسّ زیبای بودن و ماندن.
دانشجو بمان تا همیشه!

دانش مثل بهار باعث شکوفایی می‌شود و دانشجو نیز به‌سان گلی
که سر از غنچه‌ی بسته سر به فلک گذارده می‌ماند.

همیشه بهار بمان!

در جستجوی حقیقت لحظه‌ای خاموش مشو؛

برای داشتن نگرشی تازه، از شیرهی جانت مایه بگذار.

شمع روشن تو، مهر است و عشق، علم است و ادب. برای پرورش
این چهار عنصر از هیچ تلاشی فروگذار نکن؛ نگذار شمع دلت
بی‌فروغ گردد؛ چراکه نبض علم در دستان توست.

مهم این است که تو از بین صدها و بلکه هزاران نفر دانش را
برگزیدی، ۱۶ آذرماه روز توست؛

تویی که می‌سازی آینده‌ای را و آباد می‌کنی سرزمینی را.

دانش توست که خاک این سرزمین را می‌رویاند، فکر توست که
پیشرفت را هدیه می‌کند و وجود توست که ایران را استوار می‌سازد.

پس امانت‌دار خوبی باش!

روزت مبارک دانشجو.

در آخر بر خود لازم می‌دانم ضمن قدردانی و تشکر از تمام
همکاران معزز و گرانقدر که با وجود مشغله‌های بسیار، ما را در
نشر شماره‌ی دوم نشریه تابش یاری رساندند، دعوت می‌نمایم
ماحصل زحمات خویش را شاهد باشند.

همواره در تمام مراحل زندگی خویش موفق، پیشگام و پیشتاز
باشید.

زهره افشارزاده نائینی



گامنامه اجتماعے - پژوهشے - ادبے قابش

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان، انجمن علوم

تربیتی مرکز امام خمینی (ره) کاشان

شماره مجوز: ۵۰۴۰۰/۱۲۰۶/۲۱۰

شماره دوم | پائیز ۱۴۰۱



دست اندر کاران این شماره

مدیرمسئول: زهرا فخارزاده نائینی | سردبیر: حسین جعفری محمدآبادی | ویراستار: فاطمه ابن علی
طراح و صفحه آرا: محمدحسین صیادی | روابط عمومی: زهرا هاشمی نژاد، فاطمه طاهری بخش

هیئت تحریریه

دکتر هادی آبانگاه ازگمی، دکتر امین رضوانی، زهرا فخارزاده نائینی، مریم دهقانی، بهاره سلمانی،
فاطمه طاهری بخش، فاطمه ابن علی، امیرارسلان عطااللهی

فهرست مطالب

- ۱ | شناخت، چگونگی شکل گیری و ترک عادتها
- ۴ | مدیریت صحیح کلاس 2
- ۵ | کودك زیر ذره بین تابش
- ۷ | مهارت های معلمی 2
- ۹ | مثبت در مثبت، منفی!
- ۱۱ | معلم اثربخش و کارآمد در آموزش و پرورش
- ۱۳ | کودکی مجرمان 2
- ۱۴ | حافظ و ملامتگری از زبان بهاءالدین خرمشاهی



شناخت، چگونگی شکل‌گیری و ترک عادت‌ها

مشاوره و راهنمایی مرکز شهید آیت نجف‌آباد
امیر ارسلان عظیمی

شناخت، چگونگی شکل‌گیری و ترک عادت‌ها

معمولاً اگر رفتاری را به صورت متمادی و در تعداد دفعات بسیار تکرار کنیم، آن کنش یا رفتار تبدیل به عادت می‌شود. مراحل شکل‌گیری عادت‌ها در زندگی به صورت فرآیند آزمون و خطا در مغز شکل می‌گیرد؛ معمولاً هرگاه با وضعیت جدیدی روبه‌رو شوید، مغزتان باید تصمیم بگیرد چطور به آن پاسخ بدهد نکته قابل توجه در این فرآیند، این است که فعالیت‌های عصبی مغز در این مرحله زیاد است و چنانچه تصمیمی منجر به رسیدن پاداش در آن وضعیت شود مغزتان به سرعت شروع به دسته‌بندی رخدادهای منجر به آن پاداش می‌کند؛ (یک لحظه صبر کن! چه حس خوبی داشت! بهتر است دوباره امتحانش کنم).

همه این کنش‌ها در حلقه بازخورد آزمون و خطا و پاداش قرار می‌گیرند؛ مثلاً فرض کنید یک روز تمام درس خوانده‌اید و یا مشغول کاری بوده‌اید، در آخر شب تصمیم‌های زیادی برای کسب آرامش در آن وضعیت جهت رفع خستگی می‌گیرید، مثلاً با دوستانتان دیدار می‌کنید یا دقایقی به مطالعه کتاب می‌پردازید و... تا آخر موارد زیادی را جست‌وجو می‌کنید و به این نتیجه می‌رسید که بازی‌های رایانه‌ای باعث راحتی بیشتر شما می‌شود و به علت چشیدن طعم راحتی و جذابیت استفاده از بازی‌های رایانه‌ای، علاقه‌مندید که آن کار را دوباره انجام دهید و در زمان‌های بعدی این رفتار را تکرار می‌کنید و به صورت نامحسوس مغزتان شروع به خودکارسازی می‌کند؛ به‌طوری که دیگر به جای انجام امور مفیدی مانند مطالعه کتاب‌های غیر درسی، ملاقات با دوستان و... در اوقات فراغت، تصمیم به انجام بازی می‌گیرید و حتی ممکن است اوضاع در آینده با مختل کردن وظایف اصلی و اولویت‌های مهم زندگیتان بدتر شود.

حال به‌طور مختصر به چهار مرحله ساده ایجاد یک عادت می‌پردازیم.

1

مرحله اول، نشانه



نشانه، مغز را فعال می‌کند تا رفتاری را آغاز کند؛ یعنی داده‌ای که رسیدن به پاداش را پیش‌بینی می‌کند. به‌طور طبیعی ذهن ما مدام در حال تحلیل محیط خارجی و درونی است و به دنبال راهنما برای رسیدن به محل پاداش‌ها می‌گردد. نشانه اولین چیزی است که می‌گوید ما به پاداش نزدیک هستیم و این عامل باعث وارد شدن به مرحله دوم شکل‌گیری عادت، یعنی اشتیاق می‌شود.

2

مرحله دوم، اشتیاق

اشتیاق نیروی محرک پشت هر عادت است زیرا معمولاً بدون سطح خاصی از انگیزه و اشتیاق، دلیلی برای رفتار کردن ندارید. بهتر است بدانید چیزی که به آن اشتیاق دارید خود عادت نیست، بلکه تغییری است که در وضع موجود به‌دست می‌آید، در واقع اشتیاق فرد برای خود عمل سیگارکشیدن نیست، بلکه برای حس آرامش‌دهنده‌ای است که این عمل برای لحظه کوتاهی که به همراه دارد. نکته مهم در این موضوع این است که اشتیاق‌ها در افراد مختلف با توجه به افکار، عقاید، احساسات و هیجان‌اتشان متفاوت است.



3

مرحله سوم، پاسخ‌ها



پاسخ‌ها می‌توانند خودشان را به شکل فکر یا عمل نشان دهند و معمولاً به توانایی فرد و به میزان اشتیاق و انگیزه او بستگی دارد. شاید ساده به نظر برسد ولی عادت فقط زمانی اتفاق می‌افتد که هر آدمی توانایی انجامش را داشته باشد؛ مثلاً اگر می‌خواهید روز اول کلاس نقاشی با کشیدن یک تصویر فوق‌العاده حرفه‌ای به این کار عادت کنید، چون توانایی لازم برای آن در روز اول ندارید به نقاشی کشیدن عادت نمی‌کنید.

4

مرحله آخر، پاداش

سرانجام پاسخ، شما را به پاداش می‌رساند. در حقیقت پاداش هدف نهایی عادت است؛ نشانه توجه شما را برای رسیدن به هدف جلب می‌کند، اشتیاق میل رسیدن به پاداش است و پاسخ هم برای گرفتن آن پاداش است که معمولاً برخی پاداش‌ها برای فرد خوب و مناسب و بعضی نامناسب‌اند که توضیح بیشتر آن به دلیل طولانی شدن مبحث امکان‌پذیر نیست.

به‌طور کلی اگر رفتار شما در هر کدام از این مراحل ناکافی باشد، به عادت تبدیل نمی‌شود؛ زیرا اگر نشانه را حذف کنید عادت هرگز شروع نمی‌شود، اگر اشتیاق را کم کنید دیگر انگیزه کافی برای عمل کردن نخواهید داشت، اگر رفتار را مشکل کنید دیگر توانی برای پاسخ به آن نخواهید داشت و اگر پاداشی که می‌گیرید موجب رضایت شما نشود آن را تکرار نخواهید کرد.



2

حال موارد فوق را در قالب یک مثال ساده برای فهم بیشتر نشان می‌دهم:

در اتاقتان مشغول مطالعه درسی هستید که معلم فردا قرار است از آن امتحان بگیرد که ناگهان صدای گوشی همراهتان بلند می‌شود، چون پیام جدیدی دریافت کرده‌اید (نشانه) سپس مشتاق می‌شوید که محتوای آن پیام چیست یا از طرف چه کسی آمده است؟ (اشتیاق)، گوشی را برمی‌دارید و متن پیام را می‌خوانید (پاسخ)، آن پیام از طرف کسی هست که مدت‌ها منتظر پیامش بودید (پاداش)، در نتیجه هرگاه صدای موبایلتان بلند می‌شود مشتاق می‌شوید که آن را بخوانید، حال ممکن است آن یک پیامک تبلیغاتی بی‌اهمیت باشد ولی به مرور زمان و با تکرار مراحل بالا به این کار عادت می‌کنید.

این چهار گام در کنار هم یک حلقه بازخورد عصبی به نام حلقه عادت را تشکیل می‌دهند که از آن در زندگی بسیار استفاده می‌کنیم.

در پایان به چهار قانون اساسی اما ساده برای ایجاد عادت‌های خوب و از بین بردن عادت‌های بد اشاره می‌کنم. چهار قانون برای ایجاد عادت‌های خوب:

قانون اول (نشانه): آن رفتار خوب را برای خود شفاف و واضح کن.

قانون دوم (اشتیاق): آن کار را با شیوه‌های مختلف و سالم، جذابش کن.

قانون سوم (پاسخ): بسیار ساده و در حد توانت کن.

قانون چهارم (پاداش): پاداش نتیجه عمل خود را لذت بخشش کن.

اکنون برای از کاهش و از بین بردن عادت‌های بد می‌توانیم این قوانین را معکوس می‌کنیم.

چهار قانون برای کاهش و از بین بردن عادت‌های بد:

قانون اول (نشانه): در معرض نشانه‌های رفتار بد قرار نگیر.

قانون دوم (اشتیاق): رفتار را غیر جذابش کن طوری که کم‌کم از آن متنفر شوی.

قانون سوم (پاسخ): آن را پیچیده و سختش کن.

قانون چهارم (پاداش): پاداش نتیجه رفتار خود را با شیوه‌های مخصوص خود غیر لذت‌بخش و تلخش کن.



برای نظرسنجی
متن بر روی لینک
مقابل کلیک نمایید



برای نظرسنجی
متن بر روی لینک
مقابل کلیک نمایید



مدیریت صحیح کلاس ۲

به نام معلم اول خدای مهربان
«اِنَّ اللّٰهَ جَمِيْلٌ يَّهْبُ الْجَمَالَ»

مدیریت صحیح کلاس

در مبحث اول مطرح شد که حس خوبی که شما به دانش‌آموزان منتقل می‌کنید را هرگز فراموش نمی‌کنند؛ پس بهتر است که از همان جلسه اول این حس را انتقال دهید. اول خود را به دانش‌آموزان معرفی کنید؛ به‌طور مختصر به آن‌ها بگویید چه کسی هستید و چرا اینجا هستید و رزومه مختصری بگویید. با این کار شما اعتمادشان را جلب می‌کنید. همچنین بگویید که عاشق کارتان هستید. آماده و آماده‌اید که یک سال خوب را برایشان رقم زنید. دلسوز و مهربانی‌تان را به آن‌ها نشان دهید، بگویید که تمام تلاش‌تان را می‌کنید تا یک کلاس شاد با قوانین مخصوص به خود با نهایت احترام همراه با تدریس خوب و فعال برایشان فراهم کنید و البته که به کمکشان در این مسیر هم افتخار می‌کنید. بگذارید حس کنند چقدر عاشق کار و مسلط به امور و دوستدار و فراگیران هستید. بگذارید نسیم آرامش، محبت، پیشرفت، امید و انگیزه از همان روز اول آن‌ها را نوازش دهد. بگویید تکیه‌گاه امن آن‌ها هستید و می‌خواهید آن‌ها هر جلسه بهتر از قبل باشند. بر قوانینی که وضع می‌کنید پایبند باشید. برای هر جلسه یک نام زیبای خداوند را برایشان بگذارید و نیز با آیه یا حدیث یا مطلبی زیبا و با سلام و احوال‌پرسی کلاس را شروع کنید. برای حضور و غیاب ارزش قائل شوید؛ برایتان مهم باشد کسی که غایب است و یا کسی که جلسه گذشته نبوده و امروز هست. تلاش کنید نام و قیافه دانش‌آموز را به خاطر بسپارید. برای رفتار ورودی هر جلسه برنامه‌ریزی داشته باشید. این موارد برای جلسه اول و البته همه جلسات به کارتان می‌آید. امتحان کنید و لذت داشتن کلاس خوب را ببرید.

دکتر هادی آرمانده ازنگ
مدرس و پژوهشگر دانشگاه

زیر ذره‌بین تابش

کودک

زنگ ورزش بی‌شک جزو شیرین‌ترین زنگ برای دانش‌آموزان مخصوص در دوره ابتدایی است چرا که در این زنگ عطش درونی کودک که همان بازی کردن است برطرف شده و انرژی او که در زنگ های دیگر کنترل شده آزاد می‌شود و کودک به حس لذت و خوشی می‌رسد و روح او به مانند قاصدکی رها در هوای لذت ها می‌شود.

در این باب گفتگویی داریم با سرکار خانم دکتر رقیه زراعتی ایده لو، بازی درمانگر و روانشناس کودک:

+ سلام و درود بر شما خانم دکتر

_ سلام عزیزم ابتدا سال تحصیلی نو را به همه فرهنگیان دانش‌آموزان و اولیا تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم سالی پر از سلامتی شادکامی و رشد برای همه باشد. در خدمت شما هستم.

+ خیلی ممنون از شما، که وقت خودتان را در اختیار ما گذاشتید اولین سوالم این هست که زنگ ورزش چطوری می‌تواند باعث ایجاد یک شناخت نسبی از کودک توسط معلم شود؟

_ برای پاسخ اجازه بدید یک پرانتز باز کنم اونم این که راه ورود به دنیای مطلوب بچه ها بازی کردن است. خب حالا پاسخ سوال این است که در زنگ ورزش معلم میتواند با بازی کردن نیاز به عشق و تعلق را در کودک را برطرف کرده و وارد دنیای مطلوب او شود در اینجا کودک حین بازی کردن تمام نیازها و احساسات راستین خود را به نمایش می‌گذارد و معلم می‌تواند به شناخت خوبی از او برسد و چقدر خوب است که معلم در زنگ ورزش به جای ورزش های متداول با کودکان بازی کند بازی هایی که البته اهداف تربیتی را دنبال می‌کند.

+ درسته، پس در اینجا معلم با دانش‌آموزان بیش فعالی دانش‌آموزانی که قوانین کلاس را نادیده می‌گیرند باید چه کار کند؟

_ بازی_ درمانی

همانطور که گفتیم معلم تنها از راه بازی می‌تواند وارد دنیای مطلوب کودک شود و او را تحت کنترل خود قرار داده تا به



اهداف آموزشی و پرورشی برسد. وقتی ما وارد دنیای مطلوب یک کودک بشویم به راحتی می‌توانیم با فعالیتهای مطلوبی که در دنیا وجود دارد او را کنترل کنیم؛ در مورد این دسته از دانش‌آموزان بازی‌های گروهی پیشنهاد می‌شود که در حین بازی کردن دانش آموز ملزم به رعایت هنجارها هم باشد به قولی وقتی کودک از یک بازی لذت می‌برد تمام قوانین آن را ناخودآگاه رعایت می‌کند بازی‌های مثل هواپیما، بادکنک بازی، فوتبال فوتی که به صورت گروهی و دارای قاعده خواستند از نظر من توصیه می‌شود.

+ بسیار عالی من فکر می‌کنم که خانواده‌ها هم در کنترل کردن رفتار کودک به طور کلی همراه با آموزش معلم نقش داشته باشند نظر شما در این باره چیست؟

_ صد در صد. ببینید، ما در امر آموزش و پرورش یک مثلث داریم که اضلاعش رابطه متقابل با هم دارند اولیا، دانش آموز و معلم از ضعف در هر ضلع منجر به کاهش عملکرد در آموزش و پرورش می‌شود. پیشنهاد من این است که یک رابطه دوستانه بین معلم و ولی کودک برقرار باشد اما در عین حال حریم‌ها باید حفظ شود به نظر من معلم باید با والدین ماهی دوبار جلسه داشته باشد تا هر دو طرف در جریان وضعیت دانش آموز قرار بگیرد و پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی کمک کرده باشند که البته این امر باید با در نظر گرفتن اینکه معلم رهبر یادگیری است رخ دهد.

+ خیلی ممنون از پاسختون، ما بحث دانش‌آموزان را داشتیم و فرمودید که با بازی میشه آنها را بهتر در امر آموزش کنترل کرد، آیا برای دانش‌آموزان کند آموز هم بازی کردن صدق می‌کند؟

_ بله بازی برای کودکان است. با بازی کردن می‌توان کودک را جامعه پذیر کرد، می‌توان کنترل کرد، می‌توان آموزش داد، می‌توان او را پرورش و رشد داد و یا استعداد او را کشف کرد. در اینجا دانش آموز کند آموز معمولاً به علت آن دسته از حس‌های ناتوانی و درماندگی که از نیاموختن در او به وجود آمده از درس دوری میکند و دوست ندارد سمتش برود این است دانش‌آموزان معمولاً به سمت آموختن عینی پیش می‌رود یعنی باید با دست ورزی‌ها و فعالیت‌های حرکتی مطالب آموزش داده شود و نه فنی و بیان کرد مثلاً برای الگوی مثلثی معلم باید از دکمه‌ها و یا وسایل دیگری استفاده کند که کودک با لمس کردن و چیدن آن‌ها به صورت عملی مطالب را فرا بگیرد.

+ استاد عزیز بی‌نهایت از اینکه وقت خودتون رو در اختیار ما گذاشتید و نکات بسیار جالب توجه و خوبی رو در باب بازی کردن و دنیای مطلوب کودکان برای ما معلم بیان کردید سپاسگزارم.

_ زنده باشید آخرین توصیه که دارم این است که نومعلممان بسیار کتاب بخوانند ما در گذشته کمبود کتابخانه و کتاب اما اکنون در همه جا دسترسی به کتاب وجود دارد یک معلم باید غنی از اطلاعات باشد.

+ بله قطعاً همینطور هست. خیلی ممنون از توصیه شما و همچنین سپاسمندیم از همراهی شما خواننده گرامی که ما را در این گفتگو همراهی کردید تا تلنگری شود به امید روزی که همه دانش آموز طعم بازی در مدرسه و پرورش درست را بچشند.

فاطمه طاهر بفس

آموزش ابتدایی مرکز شهید باهنر تهران



برای نظرسنجی
متن بر روی لینک
مقابل کلیک نمایید

ارتباط کلامی و غیر کلامی معلم با دانش آموزان

مهارت‌های معلمی

مهارت کلامی

صدای معلم رسا و دلنشین و آهنگ صدا متغیر باشد، ساختار دستوری جملات رعایت شود (خبری، سؤالی، منفی، تأکیدی)، بیان معلم در خور فهم و درک فراگیران باشد، صدا با موقعیت مکانی فراگیران مطابقت داشته باشد و همه‌ی آنان صدای معلم را بشنوند (توزیع صدا). خیلی تند یا خیلی آهسته صحبت نکند و تکیه کلام نداشته باشد، بیان معلم دوستانه و صمیمانه باشد، در اهمیت بیان معلم باید گفت که یک جمله و عبارت، با دو نوع بیان دو تأثیر مختلف دارد. اثر روانی کلام با شور و حرارت بیشتر از کلام معمولی است.

کلماتی را که بیان می‌کند، درست ادا و تلفظ کند. معلم با فراگیران راحت، روان و غیررسمی صحبت کند. از اصطلاحات و کلمات پیچیده و غیر رایج بیش از حد استفاده نکند. بعضی از مواقع معلم جهت افزایش خزانگی لغات فراگیران از کلمات غیر رایج نیز استفاده کند.

مهارت غیرکلامی

معلم متبسم و با چهره‌ای گشاده باشد. توزیع نگاه داشته باشد. یعنی به همه‌ی فراگیران به طور یکسان نگاه کند و به یک فراگیر خیره و نگاهش روی او متمرکز نشود. توزیع انرژی داشته باشد، یعنی همه‌ی انرژی خود را در دقایق اول کلاس به کار نگیرد، بلکه سعی کند انرژی خود را به طور یکسان در طول یک جلسه مصرف کند.

وضعیت ظاهری معلم تمیز، نظیف و آراسته باشد. رنگ لباس معلم مناسب، روشن و آرامش بخش باشد. خوش بو و معطر باشد. کفش معلم صدادار نباشد، صدای کفش او می‌تواند نوعی پارازیت به‌ویژه در هنگام تفکر فردی و مطالعه‌ی فراگیران در کلاس باشد. فاصله‌ی فیزیکی

معلم با فراگیران متعادل باشد، هر قدر فاصله‌ی فیزیکی بین معلم با فراگیران کمتر باشد، رابطه‌ی عاطفی او با آنان بیشتر خواهد بود؛ بنابراین وجود فضای فیزیکی در برقراری ارتباط معلم با فراگیران مؤثر است. هر از گاهی جای خود را در کلاس تغییر دهد و در بین فراگیران حرکت کند. تحرک و جابجایی معلم در کلاس آثار و نتایج زیر را به همراه دارد:

– موجب تمرکز حواس فراگیران و نشاطبخشی در کلاس می‌شود. قدرت رهبری و مدیریت معلم را افزایش می‌دهد و همچنین ارتباط عاطفی معلم با فراگیران بیشتر می‌شود.

– تغییر وضعیت بدنی داشته باشد؛ هر از گاهی بنشیند، بایستد و راه برود. در عین حال در هر وضعیتی حد تعادل آن را رعایت کند. یک مدل خاص نایستد مثلاً دست‌ها را در پشت بدن خود و یا یک دست خود را در جیب لباسش قرار ندهد. گاهی از رفتارهای غیرکلامی به عنوان (تشویق کردن) فراگیران استفاده کند. به عنوان نمونه یک نگاه تأییدآمیز یا یک لبخند.

نکاتی برای داشتن تدریس موفق:

کلاس درس را با یک جمله انگیزشی شروع کنید. در روش آموزش خود تنوع داشته باشید. با تدریس یکنواخت، فضای کلاس را کسل‌کننده نکنید. پیش از تدریس مباحث را مطالعه کنید. به سوالات دانش‌آموزان با لحن خوب پاسخ دهید و مطالب درسی را از ساده به پیچیده آموزش دهید.

زهرا فهازراره نائینی
آموزش ابتدایی مرکز امام خمینی (ره) کاشان



برای نظرسنجی
متن بر روی لینک
مقابل کلیک نمایید



مثبت در مثبت، منفی!

دیدم خیلی ناراحت است و در افکارش فرو رفته است. جلو رفتم تا از مشککش با خبر شوم. چند دقیقه‌ای کنارش نشستم که شاید خودش شروع کند به حرف زدن، تا آمدم از او بپرسم مشکل چیست، گفت: می‌دانی چه چیزی خیلی ناراحت می‌کند؟

پارسال شرایط برایم خیلی سخت شده بود، باید برای چیزی تلاش می‌کردم که از آن اطمینان نداشتم. هر روز را ناامیدتر از دیروز شروع می‌کردم تا این که یک روز جایی خواندم که اگر جملات مثبت را هر روز تکرار کنیم اثرش را می‌بینیم. من هم همین کار را کردم، هر جمله‌ای که فکر می‌کردم مفید است را در دفترچه‌ام نوشتم تا هر روز تکرار کنم.

دیدم از داخل کیفش آن دفترچه را بیرون آورد و گفت: این جمله‌ها را می‌گویم؛ من امروز اهمال‌کاری را کنار می‌گذارم، من موفق هستم، امروز باید ۱۲ ساعت مطالعه داشته باشم، باید تراز آزمون‌هایم را بیشتر کنم، به فلان رشته و دانشگاه خواهم رفت و ادامه داد. خیلی خوشحال بودم که با کمترین هزینه و زحمت می‌توانستم خودم را در مسیر موفقیت نگه دارم و به تلاش کردن ادامه بدهم.

مدتی گذشت ولی دیگر آن جمله‌ها برایم کارساز نبودند، حتی تأثیر عکس هم داشتند، برایم جای تعجب و سؤال داشت و فقط از دست خودم ناراحت بودم که چرا شرایط بدتر از قبل شده است. این باعث می‌شد که دیگر اعتمادی به توانایی‌هایم نداشته باشم و اراده‌ام هر روز به کمتر شود.

شما چقدر با استفاده از این جملات مثبت موافقید؟ اصلاً چیزی در موردشان شنیده بودید؟ تجربه‌ی استفاده از این جملات را داشته‌اید؟ به نظرتان این جملات مثبت همیشه باعث بهتر شدن حالمان می‌شوند؟ برای شما این تأثیرات به چه شکل بوده است؟

فرهنگ امروزی ما خلاصه شده است در انتظارات مثبت اما غیرواقعی! خوشحال‌تر باشید، سالم‌تر باشید، بهترین باشید، باهوش‌تر، ثروتمندتر، بی‌نقص و شگفت‌انگیزتر باشید و هر روز صبح قبل از صبحانه ورزش کنید و بعد از خوردن صبحانه‌ای تمام و کمال، از خانواده‌ی خود خداحافظی کنید، در بالگردتان بنشینید و به سوی دفتر کارتان بروید و به شغل فوق‌العاده لذت‌بخشی بپردازید و روزتان را صرف انجام کارهای بسیار ارزشمندی کنید که احتمالاً روزی کوهی زمین را نجات خواهد داد! چنین فرهنگی ما را به سمت جملات به‌ظاهر مثبتی میبرد که در درازمدت می‌توانند آسیب‌زننده باشند.



اما اگر واقع بین باشیم و کمی عمیق تر فکر کنیم تمام این توصیه‌های مثبتی که روزانه در برابر हमهمی عظیم آن‌ها قرار می‌گیریم؛ درواقع بیشتر بر نداشته‌هایمان تمرکز دارند، آن‌ها آن چیزهایی را نشانه می‌گیرند که اکنون کمبودهای شخصی و شکست‌هایتان قلمداد می‌کنید و همان‌ها را برایتان برجسته می‌کنند. شما بهترین راه‌های کسب پول را یاد می‌گیرید، چون حس می‌کنید که در این لحظه پول کافی ندارید. جلوی آینه می‌ایستید و جملات تصدیق‌کننده‌ای را تکرار می‌کنید که مثلاً زیبا هستید، چون حس می‌کنید که زیبا نیستید.

متأسفانه پافشاری بر جملات مثبت، تنها دستاوردش این است که دائماً به ما یادآوری می‌کند چه چیزی نیستیم یا چه چیزی را نداریم یا این که چه چیزی باید میشدیم ولی نتوانستیم بشویم. به هر حال هیچ شخص واقعاً خوشحالی نیاز ندارد که جلوی آینه بایستد و تکرار کند که خوشحال است یا شخصی که ثروت کافی دارد هیچ‌گاه جلوی آینه نمی‌ایستد که به خود بگوید ثروتمند است؛ بالاخره یک فرد یا خوشحال است یا ناراحت. قطعاً از این دو حالت خارج نیست. اگر دائماً آرزوی چیزی را داشته باشیم ناخودآگاه این حقیقت را تقویت می‌کنیم که آن را نداریم.

همه‌ی انسان‌ها و تبلیغات تلویزیونی‌شان می‌خواهند شما باور کنید که رمز زندگی خوب، در داشتن شغل بهتر یا ماشین قوی‌تر و... است. دنیا پیوسته به شما می‌گوید که راه رسیدن به زندگی بهتر و بیشتر است: بیشتر بخرید، بیشتر داشته باشید، بیشتر بسازید، بیشتر باشید. شما پیوسته با پیام‌هایی بمباران می‌شوید که همیشه دغدغه‌ی همه چیز را داشته باشید: دغدغه خرید تلویزیون جدید، دغدغه‌ی مسافرتی بهتر از بقیه و... .

چرا؟ حدس من این است که دغدغه‌ی داشتن چیزهای بیشتر، برای رونق اقتصادی خوب است.

داشتن دغدغه‌های بیش از اندازه، به سلامت روحی و روانی انسان آسیب می‌زند؛ باعث می‌شود که بیش از حد به چیزهای ظاهری و ساختگی وابسته شوید و زندگی‌تان را وقف دنبال کردن سراب خوشحالی و رضایت کنید. کلید زندگی خوب، داشتن دغدغه‌های بیشتر نیست؛ بلکه داشتن دغدغه‌های کم‌تر، واقعی‌تر، ضروری‌تر و مهم‌تر است.

مرعم دهقانی

آموزش شیمی مرکز شهید رجایی اصفهان



برای نظرسنجی
متن بر روی لینک
مقابل کلیک نمایید

معلم اثربخش و کارآمد

دکتر امین رضوانی
مدرس و پژوهشگر دانشگاه

معلم اثربخش و کارآمد در آموزش و پرورش

بدون شک معلم در تمام نظام‌های آموزشی دارای نقش کلیدی و اثرگذار است و انتظار جامعه از مدرسه و معلم این است که دانش‌آموزان را برای زندگی واقعی در جامعه‌ی فردا آماده کند. این موضوع باعث شده در سال‌های اخیر بهبود کیفیت آموزشی و داشتن معلمان واجد شرایط در سراسر جهان از جمله نظام آموزشی ایران مورد تأکید قرار گیرد؛ پژوهش‌های متعددی در زمینه ویژگی‌های معلم اثربخش در کشور انجام گرفته و از دسته‌بندی‌های مختلفی برای این پدیده استفاده شده‌است. هدف از انجام این پژوهش مروری بر ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش و کارآمد در آموزش و پرورش ایران و ارائه‌ی یک چارچوب جامع در این زمینه می‌باشد.

معلم اثربخش، معلمی است که با داشتن مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای و اخلاق معلمی، زمینه را برای یادگیری همه جانبه‌ی دانش‌آموزان فراهم آورده و از این طریق موجب پیشرفت هرچه بیشتر دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری می‌شود.

بدون شک معلم در تمام نظام‌های آموزشی، دارای نقش کلیدی و اثرگذار است و انتظار جامعه از مدرسه و معلم این است که جوانانی را برای زندگی واقعی در جامعه‌ی فردا آماده کند. لذا دانش، مهارت و توانایی‌های زنان و مردان آینده به دانایی، توانایی، صلاحیت، تلاش و احساس مسئولیت معلمان امروز بستگی دارد؛ بنابراین بسیار مهم و حیاتی است که شایسته‌ترین افراد برای حرفه معلمی به کار گمارده شوند. در واقع هر کشوری که معلمان اثربخش‌تر و شایسته‌تری داشته باشد آموزش و پرورش کارآمدتر و باکیفیت‌تری خواهد داشت.

در ارائه ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش، میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد که مروری بر ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش و کارآمد در آموزش و پرورش می‌تواند به ارائه چارچوبی جامع بدل شود.

در ارائه ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش، میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین ارائه مدلی که دربرگیرنده تمامی ابعاد، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و... باشد، ضروری به نظر می‌رسد؛ همچنین در راستای تأکیدهای اسناد بالادستی، ارائه چنین مدلی بیش از پیش احساس می‌گردد. از این رو، هدف عمده این پژوهش این بوده که ضمن داشتن نگاهی جامع به ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش مطرح در مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، مدلی جامع ارائه نماید.

در این پژوهش، ابتدا منابع متعدد و مختلف مرتبط، شناسایی شده و مورد بررسی اجمالی قرار گرفته‌است. سپس پژوهش‌هایی که معتبر بودند و ارتباط تنگاتنگی با موضوع داشتند، شناسایی و انتخاب شدند. از ملاک‌های این انتخاب می‌توان به میزان ارتباط محتوا با موضوع مورد بررسی و به‌روز بودن آن اشاره کرد.

آخرین نتایج به دست آمده در کشور نشان می‌دهد نظام آموزشی برای این که بتواند اثربخش باشد باید به سمت اهداف تعیین شده یعنی آماده کردن جوانان برای زندگی واقعی در جامعه حرکت کند و معلمان نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر انسانی نظام آموزشی برای اثربخش بودن باید ابعاد و مؤلفه‌هایی داشته باشند.

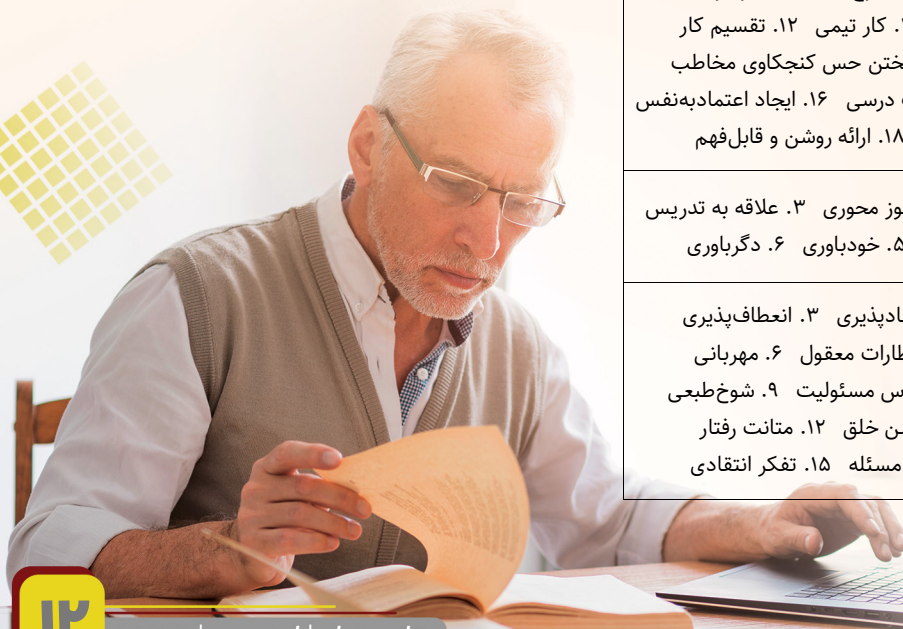
با توجه به این موضوع پس از مطالعه و بررسی پژوهش‌ها از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۳۳ در مورد معلمان اثربخش، تعدادی از تحقیقات که از آن‌ها به عنوان ویژگی‌ها و خصوصیات معلمان اثربخش و کارآمد در امر آموزش نامبرده شده‌است، شناسایی و استخراج شد.

ردیف	سال	محقق	عنوان	نتایج
۱	۱۳۹۶	زری، جمال؛ امام جمعه، محمدرضا و احمدی، غلامعلی	ارائه مدلی برای معلم اثربخش و بررسی تناسب آن با استلزامات اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران	✓ صلاحیت‌های حرفه‌ای ✓ ویژگی‌های شخصیتی ✓ مدیریت کلاس درس ✓ مهارت‌های تدریس ✓ نظارت و پایش ✓ ارزشیابی
۲	۱۳۹۱	سبحانی‌نژاد، مهدی و زمانی‌منش، حامد	شناسایی ابعاد معلم اثربخش و اعتبارسنجی مولفه‌های آن توسط دبیران دوره متوسطه شهر یاسوج	✓ ابعاد شخصیتی ✓ ارزشیابی ✓ تدریس ✓ مدیریت کلاس درس
۳	۲۰۰۸	هانتلی	Teachers' Work: Beginning Teachers	۱. ویژگی‌های شخصیتی ✓ احساس مسئولیت کردن ✓ داشتن روحیه انتقادپذیری و منعطف ✓ شوخ‌طبعی و بذله‌گویی ۲. صلاحیت‌های حرفه‌ای ✓ دانش حرفه‌ای
۴	۲۰۰۹	لوی و مینگ	Perceptions of Teachers, Students, and Parents of the Characteristics of Good Teachers: A Cross-Cultural Comparison of China and the United States	۱. ویژگی‌های شخصیتی ✓ با کنایه و طعنه صحبت نکردن ۲. صلاحیت‌های حرفه‌ای ✓ مهارت‌های حرفه‌ای

در همین راستا و با توجه به یافته‌های پژوهش، سعی شده‌است تا چارچوبی جامع در زمینه ابعاد و مؤلفه‌های معلمان اثربخش و کارآمد تهیه شود. به طور کلی در این چارچوب می‌توان از بعد دانشی، بعد مهارتی، بعدی نگرشی و بعد شخصیتی به عنوان شاخه‌های اصلی یک معلم اثربخش و کارآمد نام برد که هر یک دارای زیرشاخه‌های متعددی هستند. این نکته را نباید فراموش کرد که میان این ابعاد رابطه‌ای دیالکتیک و چند سویه برقرار است. در نتیجه لازم است همه ابعاد مورد توجه و تمرکز کافی قرار گیرند.



چارچوب جامع از ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش و کارآمد	بعد دانشی	۱. دانش پداگوژی ۲. دانش انگلیسی ۳. سواد رسانه‌ای ۴. مخاطب شناسی ۵. خودشناسی ۶. طرح درس ۷. برنامه‌ریزی
	بعد مهارتی	۱. مدیریت کلاس ۲. تدریس اثربخش ۳. نظارت و پایش ۴. ارزشیابی ۵. برقراری ارتباط ۶. سازمان‌دهی ۷. ایجاد انگیزه ۸. تدریس متنوع ۹. ایجاد جو دوستانه ۱۰. نتیجه‌گیری مطلوب ۱۱. کار تیمی ۱۲. تقسیم کار ۱۳. درگیر کردن ۱۴. برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب ۱۵. ترکیب ارزش‌ها با موضوعات درسی ۱۶. ایجاد اعتمادبه‌نفس ۱۷. برقراری نظم و انضباط ۱۸. ارائه روشن و قابل فهم
	بعد نگرشی	۱. دموکراسی ۲. دانش‌آموز محوری ۳. علاقه به تدریس ۴. یادگیری مادام‌العمر ۵. خودباوری ۶. دگرباوری
	بعد شخصیتی	۱. پاسخگو بودن ۲. انتقادپذیری ۳. انعطاف‌پذیری ۴. وقت‌شناسی ۵. انتظارات معقول ۶. مهربانی ۷. احترام به همه ۸. احساس مسئولیت ۹. شوخ‌طبعی ۱۰. تفکر و عقل ۱۱. حسن خلق ۱۲. متانت رفتار ۱۳. تفکر خلاق ۱۴. حل مسئله ۱۵. تفکر انتقادی



در ادامه به خصوصیات بیش‌فعالان می‌پردازیم؛ آن‌ها اغلب دست و پای خود را تکان می‌دهند و پر جنب و جوش هستند. نمی‌توانند صامت و ساکت روی صندلی بنشینند و اغلب تکان می‌خورند. به هیچ‌وجه از بازی‌های آرام استقبال نمی‌کنند و دوست دارند پرحرفی کنند. تکانه‌ای عمل کردن هم از ویژگی‌های مرسوم این کودکان است.

کودکانی که ترکیب بیش‌فعالی و کم‌توجه‌ای هستند، بیشتر اوقات به سختی منتظر رسیدن دوستان یا معلم خود می‌مانند و قبل از کامل شدن سوال اقدام به پاسخ‌گویی می‌کنند.

برای تشخیص دقیق این اختلالات به نکات زیر توجه کنید:

۱. پیدایش این علائم قبل از ۷ سالگی باشد.

۲. بیش از ۶ ماه دیده شود.

۳. خصوصیات گفته شده در چند موقعیت مانند خانه، مدرسه، کلاس و ... بروز داده شود.

۴. این علامت‌ها مربوط به اختلال دیگری نباشد.

اگر در اطرافیان خودتان افرادی را مانند بچگی امیر می‌بینید ترس به دلتان راه ندهید. تمام مشکلات چاره‌ای دارند مگر مرگ...!

همراه ما باشید تا در ادامه و شماره بعدی نشریه راه حل‌هایی را خدمتتان عرض کنیم.

بهاره سلمانی
آموزش ابتدایی مرکز شهید شرافت تهران

همیشه فکر می‌کردم تا زمانی که یک عابر ساده باشم، رفتارم کوچک‌ترین تأثیری در زندگی دیگر عابران نخواهد داشت، اما امان از واقعیت، یک لب‌خند کوچک و حتی یک نگاه مهربان می‌تواند زندگی‌های عجیبی را دگرگون کند. بیا بید از نقش عابر ساده خارج شویم و خود را به جای یک معلم بگذاریم، حالا با عمق ماجرا روبه‌رو می‌شویم. داستان شماره قبل را به یاد دارید؟ معلم امیر از رفتارهای متفاوت او صحبت می‌کرد. به تفکیک آن‌ها را می‌شماریم:

۱. اغلب پر جنب و جوش

۲. عدم استقبال از بازی‌های آرام

۳. تکان دادن مدام دست و پا

۴. پاسخ دادن قبل از اتمام سوال

۵. پرحرفی

۶. گم کردن یا جا گذاشتن وسایل (اغلب اوقات)

۷. بیزار از منتظر ماندن

۸. مشکل در کارهای روزانه

این ۸ علائمی که در بالا نام بردیم از خصوصیات رفتاری دانش‌آموزان بیش‌فعال و دچار اختلال کم‌توجه (نقص توجه) می‌باشد. بعضی از کودکان کم‌توجه و بعضی از آن‌ها بیش‌فعال هستند و بعضی از آن‌ها ممکن است هر دو را داشته باشند.

در مورد دانش‌آموزان یا کودکانی که کمبود توجه در آن‌ها غالب است

خصوصیات رفتاری این‌چنین می‌باشد؛ اغلب وسایلشان را گم می‌کنند یا در مدرسه و یا خانه دوست و آشنا جا می‌گذارند. با کوچک‌ترین صدا و حرکتی به راحتی حواسشان پرت می‌شود. اگر دستوری به آن‌ها می‌دهید مدام باید تکرار کنید حتی ممکن است بعد از تکرار مداومتان هم به حرفتان گوش ندهند؛ چراکه اغلب از دستورات پیروی نمی‌کنند و در مورد آخرین خصیصه می‌توانیم به مشکلات فراوان آن‌ها در انجام کارهای عادی روزانه اشاره کرد.

کودکی مجرمان



برای نظرسنجی
متن بر روی لینک
مقابل کلیک نمایید

ولامتگری حافظ

(از زبان بهاء الدین خرمشاهی)

منم که شمره شرم به عشق ورزیدن
وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات
مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست

منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن
که در طریقت ما کافرست رنجیدن
بخواست جام می و گفتم عیب پوشیدن
به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

آنچه در این غزل مهم است، این است که در بردارندهٔ اصول اندیشه‌های ملامتی حافظ است. یکی از نخستین منابعی که به تفصیل دربارهٔ اندیشهٔ ملامت و فرقه یا مشرب ملامتی بحث می‌کند، هجویری است. وی ملامت را در پاکیزه و پالوده ساختن محبت مؤثر می‌داند و ریشهٔ اندیشهٔ ملامتیه را به آیه‌ای از قرآن مجید می‌رساند که در حق مؤمنان حقیقی و دوستداران خداست: «... ایشان از ملامت هیچ ملامتگری در راه عشق و ایمان خود باکی ندارند» (آیه مائده، ۵۴) و می‌گوید که اهل حق همواره آماج ملامت خلق بوده‌اند (کشف‌المحجوب، ص ۶۸) و به سیرهٔ رسول اکرم (ص) استناد می‌کند که تا وحی بر او نازل نشده بود، نزد همه نیکنام بود. سپس خودپسندی را بزرگ‌ترین آفت در راه سلوک می‌شمارد.

باری فرقه‌ای که بیش از همه و شاید تندروتر از همهٔ فرقه‌های صوفیانه اندیشه‌ها و اصول ملامتی را به عمل در می‌آورده و شاید گاه به قول هجویری از آن طرف بام می‌افتاده، قلندریه است. حافظ نسبت به قلندر و قلندریه بی‌اعتقاد نیست، بلکه حتی از آنان به نیکی یاد می‌کند؛ و اصول ملامتگری را که شرحش خواهد آمد، می‌پذیرد و در زندگی شاعرانه و شعر زندهٔ خود خرج می‌کند.

اما اصول ملامتگری حافظ عبارتست از:

الف. تن به ملامت سپردن و از بدگوئی اهل ظاهر نهراسیدن و نرنجیدن:

که در طریقت ما کافرست رنجیدن
وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

ب. پرهیز از جاه دنیوی و صلاح و مصلحت‌اندیشی و بی‌اعتنائی به نام و ننگ:

نه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر
نزع بر سر دنیای دون مکن درویش

ج. پرهیز از زهد به‌ویژه زهد ریائی و زهدفروشان:

حافظ مکن ملامت زندان که در ازل
ما را خلا ز زهد ریا بی‌نیاز کرد

د. پرهیز از ریا: حتی برای آن‌که ریا را از ریشه بزند، به شدت از خود انتقاد می‌کند و خود را هم اهل ریا می‌خواند تا بهتر بتواند از ریا بد بگوید.

گفتی از حافظ ما بوی ریا می‌آید
آفرین بر نفست باد که خوش بردی بوی

منبع: خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ؛ غزل ۲۰۴



موفقیت. یک قدم بزرگ در آینده دور نیست
بلکه یک قدم کوچک است که
همین لحظه برمی داری